

تحلیل اثر سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی در پایداری جامعه

غیررسمی؛ مطالعه موردی: محله شمیران نو

سعید شفیعا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۲۳

چکیده

این مقاله با هدف ارزیابی اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار اقتصادی در گروه فعالان اقتصادی محله غیررسمی شمیران نو واقع در منطقه ۴ شهرداری تهران طراحی شده است. روش تحقیق از نوع توصیفی، پیمایشی و تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است.

هدف اصلی تحقیق، ارزیابی رابطه سرمایه اجتماعی گروه تحقیق با توسعه پایدار اقتصاد محله ای است و هدف فرعی، بررسی توانایی روش‌های سنجش مستقیم و غیرمستقیم سرمایه اجتماعی با توجه به داده‌های آماری است. داده‌های آماری نشان داد که دو روش متفاوت ارزیابی سرمایه اجتماعی، توانایی سنجش این مفهوم را دارا می‌باشند. ضمناً نتایج تأیید کننده رابطه مثبت و معنی‌دار میان سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اقتصادی است. بنابراین سرمایه اجتماعی بالا وسیله‌ای برای افزایش پایداری اقتصاد محلی بوده و انگیزه‌های اقتصادی گروه تحقیق، عامل مؤثری برای چگونگی این تبدیل است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه پایدار اقتصادی، پایداری اقتصاد محله، فعالان اقتصادی،

محله غیررسمی شمیران نو

طبقه بندی JEL: O17, D13, A13, R11, C19, Z13

۱. مقدمه

دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، یکی از مهمترین اهداف برنامه‌ریزان و مدیران شهری است که با ایجاد در نظام مدیریت شهری در کنار دسترسی به خدمات و امکانات و بهره برداری از قابلیت های اجتماعی ساکنان محله ای مقدور می گردد (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۷۷). بنابراین بهره برداری از سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین ظرفیت های اجتماعی پنهان در روابط روزانه ساکنین شهرها، مبتنی بر میزان اتصال به شبکه های اجتماعی و اعتماد جاری در این تعاملات است و روشی مناسب برای کاهش هزینه های مبادله و افزایش پایداری است (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۴-۹). در این میان فعالان اقتصادی یا شاغلین به کسب و کار در محیط محله، به واسطه تأثیرگذاری بر اقتصاد محله و تعاملات بالای اجتماعی مورد توجه می باشند (فیروز زارع و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۵). در نتیجه برای دستیابی به کارآیی اقتصادی و توسعه پایدار اقتصادی، تمرکز بر سرمایه های اجتماعی این گروه، روشی مناسب و درونزا به حساب می آید.

محله از دیرباز مکان سکونت خانوارها و سازنده تعاملات اجتماعی بوده است. هر چند تحولات صنعتی و پسا صنعتی، در کنار ورود ماشین به شهرها، باعث تغییر الگوی زندگی این سکونتگاه ها شده است، اما همچنان نزدیکترین سطح کالبدی به زندگی شهری و در تعامل پویا با احساسات و عواطف انسانی می باشد. افزایش تقاضا برای مسکن شهری بستر ساز پیشی گرفتن تقاضا از عرضه مسکن شهری شده است. بنابراین گروه های کم درآمد برای رفع نیازهای خود، محلات بی ضابطه شهری را مورد توجه قرار می دهند. سکونتگاه های غیررسمی یا سکونتگاه های خودروی، نتیجه مشکلات مختلف برنامه ریزی و سیاست گذاری در سطوح خرد، میانی و کلان است که زمینه ساز تجمع اقشار کم درآمد شهری در یک محدوده کم امکانات و تجهیزات است (صرافی، ۱۳۸۱: ۶). این محلات که در نمونه های متفاوت با تراکم بالای جمعیتی، فقدان تسهیلات و خدمات استاندارد، آسیب های محیطی و اجتماعی شناخته می شوند (ربانی، کلانتری و یآوری، ۱۳۸۳: ۱۱۹)، در دوره های مختلف توسعه شهری با برنامه های سازمان های شهری، دستخوش تحول می گردند. این محلات اگرچه راه چاره ای برای خانه دار شدن اقشار کم درآمد شهری است، اما زمینه ساز جذب انواع آسیب های اجتماعی و ساخت و سازهای غیرمجاز می باشند.

این سکونتگاه ها ذاتاً مبدأ این آسیب ها نمی باشند و شرایط خاص اجتماعی و محیطی در شکل گیری این آسیب ها بیشتر مؤثر می باشند. مطالعات نشان داده که ظرفیت سازی در سطح محلی به صورت بالقوه ای زمینه ساز قدرتمند سازی اجتماعات مردمی و دستیابی به پایداری اجتماعی و اقتصادی است (Barker, 2005: 12). بنابر این تمرکز بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی این محلات، یکی از راه های مناسب ظرفیت سازی اجتماعی است. در این میان، کنشگران مختلفی حضور

دارند که به واسطه انگیزه‌ها، تمایلات و توانایی‌های متفاوت، با استفاده از ابزارهای خاص خود، در اقتصاد محلی اثرگذار می‌باشند. گروه فعالان اقتصادی یا افرادی که با انگیزه کسب منفعت اقتصادی از اجتماع و محیط محله، به صورت روزانه در آن حضور دارند، یکی از این کنشگران می‌باشند. اینکه حضور آنها در شبکه‌های اجتماعی، میزان اعتماد آنها به نهادهای رسمی و غیررسمی و هنجارپذیری آنها چگونه باعث تحول در اقتصاد محلی شود، نشان دهنده خصوصیات ظرفیتی این گروه اجتماعی است. بنابراین ارزیابی میزان همبستگی سرمایه اجتماعی به عنوان مهمترین عامل از مفهوم ظرفیت اجتماعی (Coutts; Schäuble, 2008; Lafond; Brown, 2003) با پایداری اقتصاد محلی، منعکس‌کننده میزان اثرگذاری این سرمایه بر پایداری اقتصاد بخش غیررسمی شهری خواهد بود.

در این پژوهش، محقق به ساخت دو سازه سرمایه اجتماعی و پایداری اقتصادی پرداخته است. در سازه سرمایه اجتماعی، دو روش سنجش مستقیم پاتنام و غیرمستقیم فوکویاما مورد توجه قرار گرفته و سازه‌ای ترکیبی حاصل شده است. ضمناً این نحوه ساخت سازه، زمینه ارزیابی ارتباط میان دوگونه متفاوت سنجش سرمایه اجتماعی را فراهم ساخته که با استخراج یافته‌های نظری جدیدی همراه است. سازه پایداری اقتصادی توسط سه مؤلفه با اهمیت، وضعیت اقتصادی فعالان اقتصادی برای نمایش شرایط اقتصادی خانوارها، اقتصاد بنگاه‌های محله برای نمایش پایداری و پویایی اقتصاد بنگاه‌های محله، و ارزش اقتصادی بنگاه‌ها برای نمایش ارزشمندی بنگاه‌های کسب و کار محله، مورد سنجش قرار گرفته است. این مقاله پس از بررسی مبانی نظری، روش تحقیق و معرفی مدل پژوهش، به تحلیل داده‌های میدانی پرداخته و پس از بحث و بررسی یافته‌ها و پیگیری نتایج استخراج شده به جمع بندی نتایج می‌پردازد.

۱-۱. اهمیت موضوع

سازمان‌های جهانی، دستیابی به شکل مناسب شهری را در پایداری‌سازی تعاملات روزانه میان محلات رسمی و غیررسمی جستجو می‌نمایند. محلات غیررسمی به عنوان منبع اصلی ناپایداری‌های شهری، مورد توجه ویژه محققان قرار گرفته‌اند. انتخاب کنشگرانی که به شکلی از محیط محله غیررسمی بهره‌برداری اقتصادی می‌نمایند و در تحولات بافت کالبدی آن بسیار مؤثراند و در اجتماع محله ای نقش کلیدی دارند، اثربخشی فرایند ظرفیت‌سازی را با افزایش روبرو خواهد کرد. بنابراین تمرکز بر سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی و تحلیل آثار آن بر پایداری اقتصاد محله، روشی مناسب برای برنامه‌های ظرفیت‌سازی آتی در این محلات است.

۲-۱. ضرورت مطالعه

سند توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در سال ۱۳۸۱ توسط سازمان عمران و بهسازی شهری تهیه و تدوین گردید که مرجع تعریف مشترک اسکان غیررسمی و تبیین کننده اصول، مبانی و راهبردهای بخشی برای اجرای سیاست‌ها و راهکارهای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. این سند را می‌توان جامع‌ترین و کامل‌ترین اقدام مدیریت کلان کشور برای مدیریت محلات غیررسمی به حساب آورد (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۸۲). در این سند، اهالی این محلات مورد نقد قرار نگرفته‌اند و در عوض، ضعف‌ها و کاستی‌های سیاست‌های دولتی، بزرگترین دلایل شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها معرفی شده است. دستاورد اصلی این سند، استفاده از استعدادهای اجتماعات محلی در کنار پشتیبانی‌های دولتی برای بهسازی و ساماندهی درونزای محلات غیررسمی است. بنابراین شناسایی کنشگران دخیل در توسعه این محلات و بهره‌برداری از توانایی‌های آنها در راستای پایداری اقتصاد محلی، یکی از دستورالعمل‌های استخراجی این سند خواهد بود.

فعالان اقتصادی به عنوان کنشگرانی که با دسترسی به نبض اقتصاد محلی، در محیط و اجتماع محله نقش برجسته‌ای دارند، یکی از عناصر درونی و مؤثر در کارآیی اقدامات اصلاحی آتی دولت و شهرداری‌ها به حساب می‌آیند. بنابراین، هدف قراردادن پایداری توسعه اقتصاد محله مسکونی غیررسمی و استفاده از سرمایه‌های پنهان اجتماعی فعالان اقتصادی، ضرورتی کاربردی و مطالعاتی در راستای تحقق خواسته‌های این سند ملی به حساب می‌آید.

۳-۱. اهداف

این تحقیق با دو هدف اصلی طراحی شده است. یکی از اهداف تحقیق، روایی دو روش متفاوت ارزیابی سرمایه اجتماعی در محلات غیررسمی است که در بخش مبانی نظری و روش تحقیق تشریح خواهد شد. هدف دیگر، تحقیق ارزیابی نوع و میزان همبستگی میان سرمایه اجتماعی و پایداری اقتصاد محله‌ای است که با بهره‌برداری از تحلیل‌های آماری حاصل خواهد شد.

۴-۱. سؤالات تحقیق

- ۱- آیا روش سنجش مستقیم مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و روش غیرمستقیم آثار سرمایه اجتماعی در محیط محله غیررسمی شمیران نو دارای روایی مناسب است؟
- ۲- آیا میان سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی و پایداری اقتصادی محله غیررسمی شمیران نو رابطه‌ای برقرار است؟

۳- شاخص‌های تقویت‌کننده روابط چه هستند؟

۲. پیشینه پژوهش

پاتنام در آثار خود مدعی است که عملکرد اقتصادی در جوامع منسجم به مراتب قوی‌تر از جوامع غیرپیوسته است. بنابراین شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به معنای انسجام و اعتماد بین شبکه‌ای، بسترساز افزایش کارایی‌های اقتصادی خواهد بود (Putnam, 1993 & 2000). وی در بررسی نواحی ایتالیا قبل و بعد از اصلاحات دولت منطقه ای در دهه ۱۹۷۰ به نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی بالاتر نواحی شمالی در دوره های مختلف، زمینه ساز توسعه یافتگی بیشتر این ناحیه است (به نقل از حسنوی و پزشکان، ۱۳۸۶: ۳۹).

مطالعه ژائو در میان کارگران اخراجی چینی، اثبات نمود کارگرانی که سرمایه اجتماعی بالاتری داشتند، برای دستیابی به شغل، موفق تر بودند. بنابراین توسعه یافتگی اقتصاد فردی از سرمایه اجتماعی متأثر می‌گردد (Zhao, 2002).

مطالعه ای با روش همبستگی در تانزانیا اثبات نمود که میان سرمایه اجتماعی و شاخص‌های ترویج نوآوری، فراهم‌سازی بیمه غیررسمی و پشتیبانی نامحسوس، رابطه معنی‌داری برقرار است. بنابراین با تقویت سرمایه اجتماعی، شانس پشتیبانی‌های مؤثر و غیررسمی از اقتصاد محلی فراهم خواهد شد (Narayan & Pritchett, 1999).

تحقیقات بوک اثبات نموده که سرمایه اجتماعی با دو مقوله رقابت پذیری و انسجام در ارتباط است و علی‌رغم تأثیر متغیرهای مداخله‌گر، افزایش سرمایه اجتماعی با رقابت‌پذیری اقتصاد محلی در ارتباط است (Buck, 2005).

گوردن آثار انسجام اجتماعی بر شهرها را در افزایش شانس اتصالات فردی، تجاری و نیروی کار جستجو نمود و به نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی موجود در محیط‌های کاری، باعث بالا رفتن ظرفیت رقابت‌پذیری و افزایش شانس‌های اقتصادی است (Gordon, 2005).

بوهیان و اورز در پژوهشی شهری، ارتباط میان سرمایه اجتماعی و ابعاد توسعه پایدار شهری را مورد تأیید قرار دادند (Bhuiyan & Evers, 2005).

اسدی و همکاران در پژوهشی نتیجه‌گیری نمودند که برای ترمیم فقر، سرمایه اجتماعی ابزاری مناسب به حساب می‌آید (Asadi et al., 2008).

سوری در مطالعه‌ای تجربی در رابطه با اقتصاد ایران، ابتدا سرمایه اجتماعی را بر اساس کارکردهای غیرمستقیم اش در کاهش جرایم و تخلفات مورد بررسی قرار داد و سپس آثار آن را بر دو متغیر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خصوصی متذکر گردید. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ارتباط مثبت و کاملاً معنی‌داری قرار دارد (سوری، ۱۳۸۴).

علمی و همکاران در مطالعه‌های تجربی تأثیرات سرمایه اجتماعی را بر اقتصاد مورد بررسی قرار دادند. این تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی باعث تربیت و انباشت سرمایه انسانی، کارآیی سیاست‌های دولتی، بسترسازی برای ایجاد نوآوری، گردش اطلاعات، توسعه مالی و رشد اقتصادی است (علمی، شارع پور و حسینی، ۱۳۸۴).

شفیعا در پژوهشی در محله غیررسمی اثبات نمود سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی با توسعه پایدار محله‌ای در ارتباط مثبت و معنی داری قرار دارد (شفیعا، ۱۳۸۹). تحقیقات مطالعه شده، با معرفی گروه‌های اجتماعی مختلفی مثل ساکنان محلات شهری، کشاورزان روستایی، کارکنان شرکت‌های تولیدی و خدماتی همراه بوده است. سازمان ملل متحد برای استقرار سیستم حکمرانی شهری اقدام به معرفی کنشگران اثرگذار شهری نموده که در این نظام، گروهی با عنوان "سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و غیررسمی" وجود دارند که در اقتصاد شهر و محله مؤثر می‌باشند (UNESCAP, 2001). در تحقیق حاضر، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و پایداری اقتصاد محله مسکونی غیررسمی در گروه فعالان اقتصادی صورت می‌گیرد.

۳. روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی و با دو هدف کاربردی صورت گرفته است. روش جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساز انتخاب گردید که مورد تأیید ظاهری و محتوایی خبرگان قرار گرفته است. مبانی نظری تحقیق به وسیله مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد. در مسیر ساخت مدل تحقیق، این سؤال مطرح گردید که آیا دو مدل متفاوت سنجش مؤلفه‌ها و سنجش آثار سرمایه اجتماعی در یک محیط غیررسمی، به سنجش صحیح مفهوم سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد؟ بنابراین مدل تحقیق، ترکیبی از دو روش سنجشی مرسوم انتخاب گردید و با نظر خبرگان، شاخص‌هایی که در تحقیقات پیشین سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته بود، مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

تحقیق با هدف اصلی بررسی رابطه سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی محله غیررسمی شمیران نو با پایداری اقتصادی محلی انجام گرفت. قلمروی مکانی تحقیق، محله شمیران نو واقع در ناحیه ۷ منطقه ۴ شهرداری تهران می‌باشد. محدوده محله از شرق به خیابان هنگام، از غرب به پادگان نیروی دریایی، از شمال به اتوبان همت و از جنوب به بوستان الغدير محدود است. این محله به واسطه سابقه تأسیس غیررسمی به انواع آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی مشهور است و ساکنین قدیمی محله از شرایط فعلی محله ناراضی می‌باشند. اما آستانه جمعیتی بالای محله، بازار کسب و

کار مناسبی برای فعالان اقتصادی فراهم نموده است. برای تعیین حجم نمونه به واسطه تنوع گونه‌های فعالیت‌های حاضر در محله، ابتدا پهنه‌های پنجگانه‌ای برای نمونه‌گیری مورد شناسایی قرار گرفت که فعالیت‌های اقتصادی محله در آنها متمرکز شده بود^۱. پس از شمارش جامعه موجود در پهنه‌ها، ۱۳۰ بنگاه اقتصادی موجود، به عنوان جامعه هدف شناخته شد، که با مراجعه به جدول تعیین نمونه مورگان، جمع‌آوری حداقل ۱۰۰ نمونه لازم تشخیص داده شد. بنابراین برای افزایش قدرت نمونه‌گیری، تعداد ۱۲۰ نمونه جمع‌آوری گردید تا از خطاهای احتمالی جلوگیری شود. با توجه به تراکم شناسایی شده فعالیت‌های اقتصادی در این خوشه‌ها، از دو خوشه اصلی ۶۰ نمونه و از سایر خوشه‌ها نیز ۶۰ نمونه، به صورت کاملاً تصادفی جمع‌آوری گردید.

پس از مشخص شدن شاخص‌ها و طراحی سؤالات برای آماده‌سازی پرسشنامه، طیف پنجگانه لیکرت مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه به گونه‌ای طراحی گردید که مقیاس تمامی سؤالات فاصله‌ای باشد. این تحقیق در بازه زمانی تیر تا اسفند ماه ۱۳۸۹ به صورت مقطعی صورت گرفت. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار Spss استفاده گردید.

در بخش طراحی پرسشنامه پس از جمع‌آوری نظرات خبرگان، برای تأیید سؤالات، تعدادی از سؤالات سرمایه اجتماعی با تغییر روبرو گردید. سپس برای نمونه تعداد ۳۰ پرسشنامه اول جمع‌آوری شد و پس از تأیید پایایی اولیه به وسیله آلفای کرونباخ، جمع‌آوری پرسشنامه صورت گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها تلاش گردید سؤال به وسیله پژوهشگر مطرح شود و پاسخ‌های نمونه‌ها توسط پژوهشگر ثبت شود، تا از خطاهای ناشی از درک نشدن سؤالات پرسشنامه جلوگیری شود. پرسشنامه شامل ۳۶ شاخص بود که پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۷۵، تأیید گردید.

از سویی برای تأیید روایی سازه‌های سرمایه اجتماعی و پایداری اقتصادی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. رعایت حدنصاب KMO بیش از ۰/۵، و بالاتر بودن مقادیر اشتراکات از ۰/۳، و کمتر بودن سطح معنی‌داری بارتلت از ۰/۵، روایی سازه‌های تحقیق را صحت‌گذاری نمود. در تحلیل نتایج به دست آمده از آزمون‌های همبستگی، تلاش گردید نظرات خبرگان و شرایط محیطی محله لحاظ شود و نتایج بر اساس واقعیات ثبت شده استخراج گردد.

۱. جامعه تحقیق را فعالان اقتصادی محله تشکیل می‌دهند. این گروه شامل تمامی افرادی است که از صبح تا شب به شکلی در اقتصاد رسمی و غیررسمی محله به فعالیت می‌پردازند. بنابراین هر کدام از مشاغل رسمی و غیررسمی حاضر در محله، مورد نظر تحقیق می‌باشد. فروشندگان مواد غذایی، رانندگان درون محله، خریداران و فروشندگان کالا برگ‌ها، بنگاه‌های بیمه، تعویض روغنی و ... از جمله اعضای این گروه می‌باشند.

۴. مبانی نظری

۴-۱. ساماندهی اسکان غیررسمی و سکونتگاه خودروی

محلات غیررسمی، نتیجه شکست سیاست های رسمی و بی پاسخ ماندن نیاز مسکن کم درآمدی است. مرز بندی ذهنی میان "متن شدن محلات رسمی" و "حاشیه ای شدن محلات غیررسمی"، ریشه در نبود برنامه ای مشخص برای اقبال کم درآمد شهری دارد (صرافی، ۱۳۸۱: ۷). خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته سکونتگاه های غیررسمی، جزئی از زندگی و حیات شهری می باشد که در طول زمان و در درون و کنار آنها شکل گرفته و متحول می شوند. این محلات را نمی توان تنها مرکز جذب مهاجران روستایی دانست، زیرا به عنوان مهمترین گزینه برای اسکان اقبال کم درآمد شهری به حساب می آیند.

اهمیت و ارزش مداخله در این محلات، با مراجعه به سیر تحول سیاست های مسکن کم درآمدی شهری و ساماندهی و بهسازی این بافت های اجتماعی قابل اثبات است. بین دهه های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ دخالت نهادهای عمومی برای ساخت و سازهای جدید و ریشه کنی محلات نابسامان شهری، راهکار متداول به حساب می آمد. آثار سوء این روش ها از میانه دهه ۱۹۷۰ تا میانه ۱۹۸۰، این نهادها را به فکر پروژه های خودیار^۱ برای خانه دار شدن کم درآمدی شهری سوق داد. در تکمیل یافته های این دوران و در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ چارچوب های توانمندساز و امن برای ورود بخش خصوصی و ظرفیت سازی کنشگران این محلات رایج گردید، که بر اساس پیش زمینه کاهش هزینه های عمومی و افزایش شانس پایداری تحولات این محلات طراحی شده بود. از میانه دهه ۱۹۹۰ به بعد و با ورود بحث های توسعه پایدار به مبانی توسعه شهری، توجه چندگانه ای به محیط زیست، محیط انسان ساخت، اجتماعات مردمی و اقتصاد محلی معطوف گردید و فرایند مداخله در این محلات، شکل آینده نگرانه تری پیدا نمود (Un-Habitat, 2005: 19).

طی بحث هایی که در نشست مسئولان شهری در هبیتات ۲ استانبول انجام گرفت، اهدافی برای سال ۱۹۹۶ با عنوان "ظرفیت سازی برای شهرهایی بهتر" پیشنهاد گردید که نقطه شروع کاربردی شدن مفاهیم ظرفیت سازی برای بهبود سکونت گاه های غیررسمی است (مرکز سکونتگاه های انسانی سازمان ملل، ۱۳۸۸). بنابراین با توجه به پارادایم مطرح شده در نشست استانبول، بهره برداری از سرمایه های درونزای محلی برای دستیابی به پایداری، بسیار مورد توجه قرار دارد. این گونه از برنامه ها، ضمن اینکه باعث کاهش سربارهای نهادهای رسمی است، نوع پایدار تحولات را به همراه خواهند داشت و بهبود زندگی را از درون و به وسیله اجتماعات مردمی مقدر خواهد ساخت. بنابر این سازمان های شهری و دولتی نقش تسهیل گر و تربیت کننده را ایفا خواهند نمود و کنشگران

1. Self help

حاضر در محلات، بیشترین نقش آفرینی را خواهند نمود.

معضل دانستن اجتماعات غیررسمی، خاستگاه کجروی‌های اجتماعی و بروز جرم، مرکز تجمع مهاجران روستایی، تشکیل صرفاً حاشیه‌ای محلات غیررسمی و اشتغال ساکنان این محلات تنها در اقتصاد غیررسمی، پیش زمینه‌های ذهنی غلطی است که نیاز است برای تحقق صحیح فرایند ظرفیت‌سازی، در پیشگاه مدیران و برنامه ریزان ملی، منطقه ای و محلی مورد تجدید نظر قرار گیرد (پیران، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۴). بنابراین برنامه های ظرفیت سازی و توانمندسازی، ابزاری مؤثر برای تغییر ذهنیت ها و بهره برداری مؤثر از توانایی‌های موجود در سازمان‌های شهری و اجتماعات مردمی است. با این شرط که ساکنین این محلات به عنوان با ارزش‌ترین دارایی های محلی شناسایی شوند و سرمایه گذاری‌ها به سمت مقتدرسازی آنها برای رفع مشکلات معیشتی شان سوق داده شود.

۲-۴. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی با اینکه دارای اغتشاشات مفهومی و پیچیدگی های ادراکی گوناگون است، مفهومی جدید و پویا و رابطی میان شاخص‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی به حساب می‌آید. کاربرد این مفهوم در حیطه‌هایی چون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، آموزش و تعلیم، بهداشت و پایداری زیست محیطی، زمینه‌ساز ساخت آزمون فرضیه‌های بین رشته‌ای و کاربردی فراوانی شده است (پیران، موسوی و شیانی، ۱۳۸۵: ۳۹). حقیقتاً نمی‌توان زمان مشخصی را به عنوان مبدأ درک بشر از اهمیت سرمایه‌های حاصله از روابط اجتماعی مشخص نمود؛ اما صنعتی شدن، زندگی ماشینی، کاهش تعاملات اجتماعی و از خود بیگانگی، دلایلی موجه برای توجه بیشتر دانشمندان علوم مختلف به آثار سرمایه اجتماعی در زندگی بشری است. نگاه‌های متفاوتی نسبت به سرمایه اجتماعی وجود دارد که ریشه در تعدد رشته‌های علمی درگیر با این مفهوم دارد. بوردیو با نگاهی اقتصادی این سرمایه را به جهت تأثیر مثبت بر سرمایه اقتصادی، غیرقابل ارزیابی و سنجش می‌داند. از دیدگاه وی سرمایه اجتماعی، مجموعه منابع مادی و معنوی یک فرد یا یک گروه اجتماعی است که از روابط تقریباً نهادینه شده آشنایی و شناخت منتج می‌شود. کلمن با نگاه جامعه‌شناسانه این سرمایه را حاصلی از ساختارهای اجتماعی دانسته که باعث تسهیل کنش های اجتماعی می‌گردد. پاتنام متخصص علوم سیاسی، سرمایه اجتماعی را از دیدگاه ارزشمندی شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد و مدعی است که تماس‌های اجتماعی بر کارایی افراد و گروه‌های اجتماعی مؤثر خواهند بود (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵: ۵۰-۲۰). از سویی برای نیل به حکمروایی شهری و افزایش شانس تحقق دموکراسی، سرمایه اجتماعی یکی از المان‌های اساسی به حساب می‌آید (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۳۵). سرمایه اجتماعی در سطح اقتصاد تجاری زمینه‌ساز بهره برداری از امتیازات ناشی از

اثرات جانبی شبکه‌های ارتباطی است. این در حالی است که هر شبکه با ریسک‌های خاصی مثل اختلالات درون شبکه‌ای یا نوسانات خارج شبکه‌ای روبرو است و اقتصاد جاری در این تعاملات از این نوسانات متأثر می‌گردد. در حالی که افزایش حجم شبکه به افزایش این ریسک‌ها می‌افزاید، سرمایه اجتماعی به عنوان کاهنده هزینه‌های مبادله، به کارخواهد آمد. این سرمایه با تسهیل تبادلات محرمانه و نیمه محرمانه، توافقات دو جانبه و کم هزینه‌تری را نسبت به شرایط قانونی موجب می‌شود. با نگاه اقتصاد خرد، سرمایه اجتماعی از طریق توزیع ریسک، بر نرخ پس‌انداز جامعه اثرگذار بوده و زمینه‌ساز افزایش یا کاهش میزان پس‌انداز خانوارها می‌گردد. در سطح کلان و دولتی، سرمایه اجتماعی باعث افزایش کارآیی عمومی شده و فعالیت‌های دولت روان‌تر و با بار مالی کمتری ادامه می‌یابد. امکانات و تجهیزات عمومی به واسطه نظارت غیررسمی بیشتر عمر کرده و هزینه‌های سربار اقتصادی کاهش می‌یابد (اموری، ۱۳۸۲: ۷۴-۵۹).

به واسطه پیچیدگی سنجش ذهنیت‌های انسانی و وابستگی این مفهوم به تعاملات و ادراکات اجتماعی، روش‌های منطبق با طیف‌های فازی مورد تأکید پژوهشگران قرار گرفته است. با مرور پژوهش‌های به جای مانده از سنجش سرمایه اجتماعی، مشخص گردید روش‌های سنجش مؤلفه‌های اصلی توصیه شده توسط پاتنام و سنجش نتایج غیرمستقیم توصیه شده توسط فوکویاما، به صورت کاربردی استفاده شده است (شریفیانی ثانی و ملکی سعید آبادی، ۱۳۸۵). بنابر این سرمایه اجتماعی مفهومی بین رشته‌ای است که از تعاملات اجتماعی افراد در شبکه‌های اجتماعی حاصل می‌گردد. در این تحقیق تلاش خواهد شد تا با سنجش مستقیم و غیرمستقیم سرمایه اجتماعی، همبسته بودن این روش‌ها با مفهوم اصلی سرمایه اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد و این نکته به عنوان یکی از سؤالات تحقیق مورد توجه قرار گیرد.

۳-۴. رشد، توسعه پایدار و توسعه پایدار اقتصادی

رشد اقتصادی تحولی کمی، دارای محدودیت، برگشت پذیر، معکوس شونده است که اهداف یا مقاصد مشخصی را نمایش نمی‌دهد. در حالی که توسعه اقتصادی تحولی کمی و کیفی، با محدوده‌ای گسترده و وسیع، زمان بر و برگشت ناپذیر است. یک تغییر در اقتصاد داخلی یا بین‌المللی ممکن است باعث رشد در تولید ناخالص شود اما توسعه مستلزم تغییر بینش و رفتار افراد است که به زمان نیاز دارد. از سویی رشد اقتصادی نسبت به رفاه مردمی ارزشی مشخصی قائل نیست، در حالی که در توسعه اقتصادی دستیابی مسائلی مثل رفاه، کیفیت‌های محیطی، هزینه‌های اجتماعی مدنظر قرار دارد. بنابراین رشد اقتصادی وسیله و توسعه اقتصادی هدف به حساب می‌آید (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۴). پس می‌توان توسعه اقتصادی را رشد اقتصادی توأم با تحولات و

تغییرات مثبت فنی و ارزشی دانست که افزایش درآمد سرانه یک کشور، تنها یکی از نمودهای آن است. در این نگاه دستیابی به زندگی بهتر به واسطه ترکیب فرایندهای اجتماعی، نهادی، امکاناتی و اقتصادی مدنظر قرار دارد (موسایی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). بنابراین ارزیابی ارزش کالاها و خدمات تولید شده در شهر، شاخص خوبی برای ارزیابی رشد اقتصاد شهری است (سولیوان، ۱۳۸۶: ۱۷۳) در حالی که نوع و میزان منابع مصرف شده برای دستیابی به کالاها و خدمات تولید شده شهری، از شاخص‌های ارزیابی توسعه اقتصاد شهری خواهد بود (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۱۸).

رویکردهای توسعه که اساساً پس از جنگ جهانی دوم نمود پیدا کرد، نشان می‌دهد که پارادایم مدرنیزاسیون و رشد به مثابه فرایندی خطی مرسوم سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰، از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد به سمت جلوگیری از شکاف‌های اجتماعی و توزیع عادلانه منابع سوق داده شده است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۳).

به بیانی ساده، توسعه‌ای که تنها جنبه‌های اقتصادی را مد نظر قرار دهد با افزایش آسیب‌های اجتماعی و محیطی همراه است و در طول زمان بقا نخواهد داشت. توسعه پایدار از جمله مفاهیمی است که در دهه گذشته و پس از مشاهده کاستی‌های موجود در توسعه یک جانبه، به ادبیات توسعه افزوده شده است. با اوج گرفتن نگرانی از عواقب فعالیت‌های انسانی برای کره زمین و بر پایه قطع نامه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۳، کمیسیون جهانی جهت بررسی جامع مسائل زیست محیطی و توسعه جهانی تشکیل شد. این کمیسیون، توسعه پایدار را توسعه‌ای تعریف کرد که نیازهای کنونی را بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان مهیا سازد (سعیدی رضوانی و کاظمیان، ۱۳۸۲: ۲۷). بنابراین آثار جانبی منفی، به معنای ایجاد منفعت برای گروهی به قیمت کاهش منافع گروهی دیگر (منکیو، ۱۳۸۷: ۲۳۹) یکی از اصول اقتصادی مهم در مبانی توسعه پایدار شهری می‌باشد. برای این نوع از توسعه می‌باید به ابعاد محیط زیست، محیط انسان ساخت، اقتصاد و اجتماع، به صورت چندجانبه توجه شود و هیچیک از هزینه‌های جاری به نسل‌های بعدی تحمیل نشود.

شهرها به واسطه اینکه مراکز ابداع و نوآوری، یادگیری، تجارت و تولید و مصرف هستند، با جذب جمعیت انسانی به درون خود، بیشترین تأثیرگذاری را بر منابع و اجتماعات مردمی دارند (سولیوان، ۱۳۸۶: ۸-۴). بنابر این بررسی توسعه پایدار در محدوده شهری، یکی از مناسب‌ترین گزینه‌ها برای دستیابی به پایداری است. توسعه پایدار شهری از نظر کالبدی به تغییرات کاربری‌های زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهر و فضاهای مربوط به سکونت، حمل و نقل و اوقات فراغت توجه دارد. از نظر زیست محیطی به قابل سکونت بودن شهر در کنار هوای پاک، آب سالم و حفظ منابع تجدیدناپذیر و مدیریت زباله تأکید دارد. از نظر اجتماعی مباحث مربوط به

همبستگی و انسجام اجتماعی و احساس تعلق شهروندان مطرح است. از نظر اقتصادی به دوام اقتصاد شهری و هماهنگی سطوح مختلف مشاغل، وضعیت مسکن شهری و شرایط اقتصاد خانوارها توجه می‌گردد (Mukomo, 1996). موضوعاتی مثل مشاغل و اشتغال، دستمزد مناسب، تجارت پایدار و به کارگیری تکنولوژی مناسب در پایداری اقتصاد شهری مورد تأکید است (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۱۵۲). بانک جهانی طراحی پروژه‌های مسکن را در صورتی در راستای توسعه پایدار شهری دانسته که با کاهش هزینه‌ها و ملاحظه تمامی گروه‌های اجتماعی همراه باشد. ضمن آنکه فرصت‌های اقتصادی و شرایط اشتغال خانوارهای ساکن شهری نیز به صورت عادلانه برای تمامی گروه‌های اجتماعی با توسعه همراه شود (عزیزی، ۱۳۸۰: ۲۳).

۵. مدل تحقیق

تنوع روش‌ها و مدل‌های سنجش مفاهیم این تحقیق، نیاز به بهره‌برداری از نظرات خبرگان دارد. همان طور که در مبانی نظری ذکر گردید، برای سنجش سرمایه اجتماعی دو روش سنجش مستقیم و سنجش نتایج غیرمستقیم مرسوم است. در روش سنجش مستقیم که بر اساس دیدگاه‌های پاتنام بنا شده است، مؤلفه‌های اعتماد، هنجارگرایی و اتصال به شبکه‌های اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرند. اما در بخش سنجش نتایج غیرمستقیم که بر اساس دیدگاه‌های فوکویاما مرسوم شده است، هر شاخصی که به شکلی از سرمایه اجتماعی متأثر شود، مورد توجه قرار می‌گیرد و اندازه‌گیری آنها معادل میزان سرمایه اجتماعی موجود فرض می‌شود. در انتخاب شاخص‌ها تلاش گردید تطابق آنها با خصوصیات یک محله غیررسمی مورد توجه قرار گیرد. جدول شماره ۱ نمایشی از مؤلفه‌های تحقیق در مفهوم سرمایه اجتماعی با ذکر منابع تأیید کننده می‌باشد.

جدول ۱. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تحقیق

نوع سنجش	مؤلفه	پژوهشگر تأیید کننده
سنجش مستقیم	اعتماد به (همسایه‌ها، سایر قومیت‌ها، صاحبان کسب و کار، شورایی، شهرداری، نیروی انتظامی و دولت)	(Lyberaki, Antigone ; Paraskevopoulos, Christos, 2002; National statistics, 2003; Putnam, 1993)
	هنجارگرایی (رسمی، غیررسمی)	(Onyx & Bullen, 2000; Coleman, 1990)
سنجش غیر مستقیم	اتصال به شبکه (دوستی، پیدا کننده کار، ضمانت وام و راهنمایی قانونی)	(Putnam, 1993; Coleman, 1990)
	وابستگی به جامعه محلی	(Onyx, and Bullen, 1998; Onyx & Bullen, 2000; Iisakka, Helsinki & Helsingfors, 2006; National statistics, 2003; Stone & Wendy, 2001; World Bank, 1998)

نوع سنجش	مؤلفه	پژوهشگر تأیید کننده
	اختصاص زمان برای حل مشکلات همسایه ها	(Onyx, and Bullen, 1998; National statistics, 2003; World bank, 2004)
	کمک های خیریه در محله	(شریفیانی ثانی و ملکی سعید آبادی، ۱۳۸۵)
	دوستان صمیمی در محله	(Onyx, and Bullen, 1998; Onyx & Bullen, 2000; Iisakka, Helsinki & Helsingfors, 2006; National statistics, 2003; Stone & Wendy, 2001; World Bank, 1998)
	احساس امنیت در محله	(Onyx & Bullen, 2000)
	شناخت اعضای شورایی محله	(Putnam, 1993)

برای استخراج مدل پایداری اقتصادی، تحقیقات نشان داده که استطاعت تأمین مسکن، شرایط واحد های تجاری و مسکونی و در دسترس بودن سرویس های پایه شهری مورد تأکید قرار دارد (Dover Community Association, 2001). از سویی پایداری و خودکفایی اقتصاد محلی و شرایط درآمدی و پس اندازی اقتصاد خانوارها به عنوان مؤلفه های مهم فردی به حساب می آید (Jozsa & Brown, 2005). برخی تحقیقات شاخص های کیفیت مسکن و سطح دسترسی به زیرساخت های شهری را در حالی که جزئی از مؤلفه های محیطی می دانند، در ارتباط تنگاتنگ با مؤلفه های اقتصادی معرفی کرده اند. زیرا پیش بینی کننده مناسبی برای توان اقتصادی فردی به حساب می آیند (Urban Ecology Coalition, 1999). گزارش پایداری شهر مینئوپولیس نشان داد که شاخص های پایداری اقتصادی که با شاخص های پایداری محیطی و اجتماعی در تعامل باشند و قابلیت سنجش چند بعدی را فراهم سازند، از مطلوبیت بیشتری برخوردار است (Ibid). بنابراین برای طراحی مدل پایداری اقتصادی، سه مؤلفه اصلی شرایط اقتصادی فعالان اقتصادی^۱، اقتصاد بنگاه های محله و ارزش اقتصادی بنگاه ها ارزیابی گردید. برای سنجش ارزش اقتصادی واحد تجاری، شاخص های دسترس پذیری و کیفیت بنا، که به شکلی در ارزش اقتصادی و شأن اجتماعی واحد مؤثر است، مورد توجه قرار گرفت. جدول شماره ۲ نشان دهنده مؤلفه های پایداری اقتصادی تحقیق می باشد.

۱. این مؤلفه ها نشان دهنده توانایی اقتصادی فعالان اقتصادی برای تهیه نیازهای اساسی زندگی خانوادگی و قابلیت پس انداز می باشد. در این بخش، مسکن شهری به عنوان یکی از مهمترین نیازهای اساسی خانوارهای شهری، پس انداز به عنوان امنیت اقتصادی خانوارها و بستر ساز پایداری توسعه بنگاه های اقتصادی، و تأمین هزینه های زندگی و برخورداری خانوارها، که نمودی از میزان عادلانه بودن توزیع منابع اقتصادی است، مدنظر می باشد.

جدول ۲. مؤلفه های پایداری اقتصادی تحقیق

مؤلفه ها	زیر مؤلفه ها
شرایط اقتصادی فعالان اقتصادی	استطاعت تأمین مسکن، توان تأمین هزینه های زندگی، میزان پس انداز ماهیانه
اقتصاد بنگاه های محله	پویایی اقتصاد محله، پایداری اقتصاد محله، جذابیت فعالان اقتصادی محله، تضمین تأمین مواد اولیه
ارزش اقتصادی بنگاه	دسترسی به فضای عمومی، دسترسی به فضای تأمین نیازهای روزانه، دسترسی به سیستم حمل و نقل ارزان، دسترسی به پارکینگ، امنیت بنا، نظافت محیطی، کیفیت بصری، اختلاط کاربری ها

۶. نتایج حاصله از تحلیل های آماری

در مبنای نظری تحقیق، دو روش سنجش مستقیم و غیرمستقیم سرمایه اجتماعی مورد بازشناسی قرار گرفت. در این پژوهش سعی گردید هر دو روش به صورت موازی مورد استفاده قرار گیرد و با استفاده از همبستگی میان نتایج، میزان مرتبط بودن این دو روش با مفهوم سرمایه اجتماعی مشخص شود. جدول شماره ۳ نشان دهنده همبستگی میان دو روش سنجش می باشد.

جدول ۳. همبستگی میان روش های سنجش سرمایه اجتماعی^۱

سنجش غیرمستقیم سرمایه اجتماعی		سنجش مستقیم سرمایه اجتماعی		آزمون همبستگی اسپیرمن	
0.888(**)	0.806(**)	مقدار همبستگی	سرمایه اجتماعی	(2-tailed) سطح معنی داری	
.000	.000	مقدار همبستگی			
0.472(**)		(2-tailed) سطح معنی داری	سنجش مستقیم سرمایه اجتماعی		
.000					

نتایج نشان می دهد هر دو روش سنجشی با مفهوم سرمایه اجتماعی استخراج شده از داده ها، دارای همبستگی مثبت و معنی قوی می باشند ($r_1=0.888$, $r_2=0.806$, $p=0.0$). از سویی میان دو روش سنجش مستقیم و غیرمستقیم، همبستگی مثبت و معنی دار متوسطی برقرار است ($r=0.472$, $p=0.0$). این نتایج بدین معناست که میان دو روش سنجش سرمایه اجتماعی، رابطه نسبتاً قابل اتکایی برقرار است، هر چند این مقدار در حد متوسط می باشد. بنابراین اثبات همبستگی

۱. تمامی نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی این جدول در سطح معنی داری ۰/۰۱ می باشند.

این دو روش با یکدیگر نشان دهنده روایی قابل قبول هر دو روش برای سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی است. بنابر این در صورت انتخاب شاخص‌های مناسب و استفاده از ابزارهای قابل قبول، هر دو روش سنجش مستقیم و غیرمستقیم، قابلیت سنجش مفهوم اصلی سرمایه اجتماعی را دارا می‌باشند و روش‌های توصیه شده پژوهشگران در میدان عمل صحنه گذاری شد.

اما هدف اصلی تحقیق، ارزیابی رابطه میان سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی و وضعیت پایداری اقتصاد محله می‌باشد. ابتدا آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید تا مشخص شود توزیع متغیرها به چه شکل است. نتایج آزمون تأیید نمود تنها متغیرهای پایداری اقتصادی و سرمایه اجتماعی که از میانگین‌گیری شاخص‌های مطرح شده تشکیل شده‌اند، دارای توزیع نرمال می‌باشند. بنابراین مطابق با وضعیت برازش متغیرها، آزمون‌های همبستگی مورد استفاده قرار گرفت. جدول شماره ۴ نشان دهنده خلاصه‌ای از وضعیت همبستگی میان متغیر پایداری اقتصادی و سرمایه اجتماعی است.

جدول ۴. همبستگی میان متغیرهای تحقیق

پایداری اقتصاد محلی				سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی	
ارزش اقتصادی بنگاه	پایداری اقتصاد محلی	پایداری شرایط اقتصادی فعالان اقتصادی	پایداری اقتصادی		تأیید همبستگی ©
				عدم تأیید همبستگی □	
©.208(*)	©.261(**)	□-.043	©.225(*)	میزان همبستگی	هنجارگرایی
.037	.009	.673	.024	(2-tailed) سطح معنی داری	
□-.032	©.251(*)	□.036	©.209(*)	میزان همبستگی	انصال به شبکه
.755	.012	.722	.037	(2-tailed) سطح معنی داری	
□.016	.160	□.162	©.205(*)	میزان همبستگی	اعتماد
.872	.112	.106	.040	(2-tailed) سطح معنی داری	
□.104	©.356(**)	□-.058	©.261(**)	میزان همبستگی	آثار غیرمستقیم
.302	.000	.568	.009	(2-tailed) سطح معنی داری	

نتایج تأیید می‌نماید که میان تمامی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با پایداری اقتصاد محلی، رابطه مثبت و معنی دار نسبی برقرار است. نتایج مؤید این نکته است که هنجارگرایی با پایداری اقتصاد محلی و ارزش اقتصادی بنگاه‌ها در ارتباط مثبت و معنی داری قرار دارد. به بیانی دیگر، افزایش هنجارهای رسمی و غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی فعالان اقتصادی محله غیررسمی، با

افزایش قابل قبول پایداری فعالیت‌های اقتصادی و ارزشمندی بنگاه‌های تجاری همراه بوده است. بنابراین هنجارهای موجود در شبکه‌های اجتماعی به عنوان پشتیبانی نسبی برای تقویت فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها و افزایش فعالیت‌پذیری اقتصادی محله، نقش آفرینی می‌نماید.

از سویی فعالان اقتصادی که در بنگاه‌های باارزش‌تر اقتصادی حضور دارند، از هنجارگرایی نسبتاً بیشتری برخوردار می‌باشند. بنابراین می‌توان مدعی بود، افزایش موقعیت اقتصادی بنگاه‌های محله، با آثار مثبت افزایش هنجارهای دلسوزی و قانون‌گرایی عمومی همراه است که البته این یافته به واسطه الزامات اعمال شده توسط اصناف و سازمان‌های شهری شکل گرفته است. و هرچه واحد کسب و کار در موقعیت مطلوب تری قرار دارد زمینه اعمال استانداردهای از پیش تعریف شده، بیشتر است.

همبستگی‌های موجود میان اتصال به شبکه‌های اجتماعی و پایداری اقتصاد محلی نشان می‌دهد، فعالان اقتصادی که به شبکه‌های اجتماعی بیشتری متصل‌اند، از پایداری اقتصادی و شرایط مناسب‌تری برخوردار می‌باشند. اما این متغیر تأثیرگذاری مشخصی بر پایداری شرایط اقتصادی فعالان اقتصادی و ارزش بنگاه اقتصادی نشان نمی‌دهد. بنابراین تقویت شبکه‌های اجتماعی گروه تحقیق بیش از آنکه آثار فردی و محیطی مشخصی داشته باشد، بر پایداری تعاملات اقتصادی بنگاه‌های محله مؤثر است. بنابراین انگیزه موجود در شبکه‌های اجتماعی گروه تحقیق از نوع پشتیبانی فعالیت‌های اقتصادی است و منجر به هدایت سرمایه اجتماعی گروه تحقیق برای دستیابی به پایداری اقتصادی خواهد شد.

پس از انجام آزمون میان شاخص‌های اتصال به شبکه‌های اجتماعی و پایداری اقتصادی محله مشخص گردید، اتصال به شبکه‌های پشتیبان شغل ($r=0.255, p=0.01$)، اتصال به شبکه‌های ضمانت‌کننده وام ($r=0.214, p=0.03$) و اتصال به شبکه‌های آشنا به قوانین ($r=0.293, p=0.0$) بیش از اتصال به شبکه‌های روابط صمیمی، درد دل، شورای محله و روابط خانوادگی، بر پایداری اقتصاد محله مؤثر است. بنابراین برای دستیابی به پایداری اقتصاد محله، اتصال به شبکه‌های رسمی و مرتبط با امور اقتصادی و تجاری در اولویت قرار دارد. به زبان ساده، پایداری اقتصاد محله با تقویت شبکه‌های اجتماعی ضمانت‌کننده کسب و کار، تضمین خواهد شد و شبکه‌های اجتماعی مرتبط با روابط دوستانه و خانوادگی در پایداری اقتصادی محله بی‌تأثیر است.

نتایج نشان می‌دهد اعتماد با پایداری اقتصاد محله در ارتباط مثبت و قابل قبولی قرار دارد. اما اعتماد به دیگر قومیت‌های فعال در اقتصاد محله ($r=0.249, p=0.01$) بیشترین تأثیر را بر پایداری اقتصاد محله نشان می‌دهد. بنابراین فعالان اقتصادی که در ارتباطات اجتماعی خود نسبت به قومیت‌های دیگر، ذهنیت‌های مثبتی دارند، شرایط پایداری اقتصادی مطلوب تری را داشته‌اند. در

تحقیقات پیشین نیز اثبات شده است که محلات غیررسمی، یکی از کانون‌های اصلی اختلافات قومی و نژادی است. این نتیجه تأیید می‌نماید فعالان اقتصادی که از نظر ذهنی و عینی شکاف‌های قومی، نژادی را دامن نمی‌زنند و از اعتماد مطلوب تری نسبت به گروه‌های اجتماعی دیگر برخوردارند، به واسطه بهره‌برداری از فرصت‌های مطلوب تر حاصله از این پیوندها، سطح پایداری اقتصادی مطلوب‌تری را دارا می‌باشند. جای توجه دارد نتایج تأیید می‌نماید که سرمایه اجتماعی بالاتر با پایداری شرایط اقتصادی فردی شاغلان محله همراه نمی‌باشد. به بیانی، سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی بیش از آنکه بر اقتصاد خرد و فردی اثرگذار باشد، بر اقتصاد کلان بنگاه‌های محله تأثیر می‌گذارد و به عبارتی، این سرمایه با ایجاد بستری از اعتماد و همبستگی عمومی، زمینه‌ساز تقویت تعاملات اقتصادی بنگاه‌های محله می‌باشد. هر چند ممکن است این تعاملات از نظر شاخص‌های فردی منجر به پایداری شرایط اقتصادی فعالان اقتصادی نباشد، اما در سطح کلان بسترساز پایداری و پویایی اقتصاد محله خواهد بود.

با نگاه به شاخص‌ها مشخص است که فعالان اقتصادی که سرمایه اجتماعی بالاتری داشته‌اند، خریدهای اصلی زندگی خود را از درون محله انجام می‌دهند ($r=0.487$, $p=0.0$) و نسبت به سایر فعالان اقتصادی نگاه مساعدتری دارند ($r=0.209$, $p=0.05$). اما سرمایه اجتماعی آنها هیچ رابطه‌ای با توانایی پس‌انداز، پاسخگویی به هزینه‌های زندگی و استطاعت تأمین مسکن آنها ندارد. بنابراین دسته‌بندی‌های اقتصادی مختلف پاسخ دهندگان، الگوی مشخصی برای مالکیت سرمایه اجتماعی به نمایش نگذاشت و نمی‌توان مدعی بود سرمایه اجتماعی قوی‌تر الزاماً در اختیار گروه‌های اقتصادی قوی‌تر یا ضعیف‌تر قرار دارد. جدول شماره ۵ نشان دهنده آزمون همبستگی میان دو متغیر اصلی سرمایه اجتماعی و پایداری اقتصادی محله است.

جدول ۵. همبستگی میان پایداری اقتصادی و سرمایه اجتماعی^۱

پایداری اقتصادی محله	خروجی آزمون همبستگی	
	.۴۰۱(**)	میزان همبستگی اسپیرمن
.۰۰۰	سطح معنی داری (2-tailed)	

با توجه به نتیجه به دست آمده، مشخص است که سرمایه اجتماعی با پایداری اقتصاد محله در

۱. با توجه به انتخاب مقیاس فاصله ای برای سنجش شاخص‌ها، دو ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون قابل استفاده می‌باشد (دانایی فرد، الوانی و عادل آذر، ۱۳۸۹: ۲۳۴). مقایسه نتایج آزمون‌های همبستگی نشان داد که تفاوت بسیار کمی میان نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن (۰.۴۰۱) و پیرسون (۰.۳۹۸) وجود دارد.

ارتباط مثبت و معنی‌دار قابل قبولی قرار دارد. بنابر این افزایش هنجارهای رسمی و غیررسمی، اتصال بیشتر به شبکه‌های مرتبط با اقتصاد محله و فعالیت‌های رسمی و افزایش اعتماد به قومیت‌های دیگر با پایداری اقتصاد محله‌ای همراه می‌باشد و می‌توان انتظار داشت که سرمایه اجتماعی بهتر با پایداری اقتصادی محلی بهتر همراه باشد.

۶-۱. بحث و بررسی

هدف این تحقیق، ارزیابی رابطه سرمایه اجتماعی با پایداری اقتصاد محلی است. نتایج همبستگی‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی با توجه به انگیزه اصلی آنها برای کسب منفعت، در مسیر پایداری و پویایی اقتصاد محله هدایت می‌شود. اتصال به شبکه‌های پشتیبان کار، هنجارگری و اعتماد به قومیت‌های دیگر از جمله شاخص‌هایی هستند که با پایداری اقتصاد محله در ارتباط مثبت و معنی‌داری قرار دارند. همان‌طور که در پیشینه تحقیق ذکر گردید، محققان اثبات نموده‌اند که سرمایه اجتماعی باعث ایجاد ضمانت و بیمه غیررسمی است. نتایج این تحقیق تأیید می‌نماید، تقویت شبکه‌هایی که به شکلی در اقتصاد کسب و کار، و اتصال میان فعالان اقتصادی مؤثر باشد، در بهبود شاخص‌های پایداری اقتصاد محله مؤثر خواهد بود. افزایش اعتماد به قومیت‌های دیگر، به عنوان اعتماد خارج گروهی، یکی از ابزارهای مناسب برای افزایش چسبندگی فعالان اقتصادی است و از شکاف میان شبکه‌ای جلوگیری می‌نماید.

این تحقیق اثبات نمود که افزایش سرمایه اجتماعی با افزایش تمایل بیشتر فعالان اقتصادی برای خرید از درون محله همراه است. این اقدام به عنوان بستری مناسب برای ضمانت اقتصاد محلی و اتصال دهنده بنگاه‌های مختلف محله به یکدیگر شناخته می‌شود. از سویی، الزاماً سرمایه اجتماعی بالا با شرایط اقتصادی مطلوب تر همراه نمی‌باشد. بنابر این در نمونه‌های مشاهده شده مدرکی قابل اتکا برای قضاوت در مورد اثرپذیری سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی از شرایط اقتصادی آنها یافت نگردید. بنابراین سرمایه اجتماعی مورد بررسی، به صورت ابزاری برای ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی در راستای حفظ بازار محلی و دستیابی به پایداری در کسب و کار به کار گرفته شد.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سرمایه اجتماعی سازه‌ای پیچیده است که در صورت انتخاب شاخص‌های مناسب و پرسشنامه‌هایی با روایی و پایایی بالا، قابل سنجش است. تحقیق اثبات نمود که روش‌های سنجش مستقیم مؤلفه‌های اصلی توصیه شده توسط پاتنام و سنجش غیرمستقیم آثار توصیه شده فوکویاما، در محیط محلی از روایی سنجش مفهوم اصلی سرمایه اجتماعی برخوردار است. از سویی، محلات

غیررسمی به عنوان محلات خودروی شهری که چالشی فراروی توسعه پایدار شهری می‌باشند، دارای کنشگرانی هستند که با کمترین هزینه‌ها زمینه پایداری اقتصاد محله را فراهم خواهند ساخت. نمونه‌های جمع‌آوری شده از فعالان اقتصادی حاضر در محله مورد بررسی اثبات نمود که هنجارگرایی بیشتر، اتصال به شبکه‌های اجتماعی که زمینه پشتیبانی شغلی را فراهم سازد و افزایش اعتماد نسبت به قومیت‌های دیگر و کاهش اختلافات نژادی، با بهبود شاخص‌های پایداری اقتصاد محله همراه خواهد بود. به بیانی ساده، سرمایه اجتماعی به عنوان مکانیزمی حمایتی در راستای تمایلات و انگیزه‌های فعالان اقتصادی، نقش تسهیل‌کننده روابط اقتصادی و اجتماعی را ایفا خواهد نمود. این سرمایه بیشترین آثار را در پویایی و پایداری اقتصاد محله بروز می‌دهد و با اثرگذاری بر ارزشمندی فضاهای اقتصادی محله غیررسمی، در طولانی مدت باعث افزایش فرصت‌های اقتصادی و توانایی گروه تحقیق خواهد شد. هر چند اصل رقابت در میان فعالان اقتصادی امری طبیعی است، اما منافع جانبی حاصله از پیشرفت اقتصاد محله، زمینه مناسبی برای اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر همکاری‌های اقتصادی خواهد بود.

۱-۷. پیشنهاد کاربردی

- بستر سازی برای افزایش هنجارگرایی در میان فعالان اقتصادی در پایداری اقتصاد محله مؤثر خواهد بود. بنابراین هر اقدامی که زمینه افزایش هنجارهای رسمی مثل قانون‌گرایی و هنجارگرایی غیررسمی مثل یاور بودن را فراهم سازد، به صورت غیرمستقیم در پایداری اقتصاد محله مؤثر خواهد بود. پیشنهاد می‌شود فاکتورهایی که می‌توانند احساس تعلق فعالان اقتصادی نسبت به محله را افزایش دهند، شناسایی شوند تا از طریق بهبود این شاخص‌ها، هنجارگرایی این گروه در محله با افزایش همراه باشد.
- شکل‌گیری برنامه‌های مشارکتی و شراکتی میان سازمان‌های شهری و فعالان اقتصادی، زمینه‌ساز افزایش اعتماد برون‌گروهی و همبستگی درون‌گروهی است. بنابراین استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های پنهان اجتماعی گروه تحقیق، ضمانتی است برای پایداری اقتصاد محله.
- اجرای طرح‌های تشویقی که باعث شکل‌گیری مشارکت میان فعالان اقتصادی و ساکنان گردد، بهترین پیشنهاد برای افزایش اعتماد قومیتی و همسایگی است. زیرا این اقدامات زمینه تعاملات و تراکنش‌های مؤثر و مشترک را فراهم خواهد نمود. عدم شناخت صحیح کنشگران حاضر در محلات غیررسمی نسبت به یکدیگر، از مهمترین دلایل فقدان اعتماد آنها نسبت به یکدیگر می‌باشد. بنابراین هر برنامه‌ای که با بهبود شناخت کنشگران محله همراه باشد، می‌تواند زمینه ساز

افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه پایداری اقتصاد محلی شود.

- نتایج نشان داد که انگیزه گروه تحقیق به کسب منفعت اقتصادی، باعث هدایت سرمایه اجتماعی آنها به سمت پایداری و پویایی اقتصاد محلی است. بنابراین هر برنامه انگیزاننده‌ای که باعث هدایت سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی به سمت پایداری محیطی و اجتماعی محله شود، باعث مصرف بیشتر سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در محله خواهد بود.

۲-۷. پیشنهادات پژوهشی

- شناسایی کنشگران مختلفی که در فعالیت و حیات روزانه محلات غیررسمی اثرگذارند، یکی از نیازهای تحقیقی در این حیطه می باشد. گروه مورد مطالعه به واسطه تمایلات اقتصادی، تأثیرات قابل قبولی بر اقتصاد محله داشتند. شناسایی ذی نفعان مؤثر در اجتماع و محیط محله و برقراری تعامل و تعادل در به کارگیری سرمایه های اجتماعی آنها، قطعاً روشی مناسب برای پایداری تمامی ابعاد حیات محلی خواهد بود. بنابراین طرح‌های پژوهشی که این گروه‌ها را شناسایی نماید و آثار آنها را در محله مورد تحلیل قرار دهد، مورد نیاز طرح های اصلاحی شهری خواهد بود.

- عدم سازماندهی و توسعه نیافتگی اجتماعی محلات غیررسمی باعث با اهمیت شدن روابط غیررسمی و تشکل‌های مردم نهاد است. شناخت عناصر و گروه های اجتماعی که بیشترین تأثیرات را در ساز و کارهای این محلات ایفا می نمایند، یکی از مهمترین پیش نیازها برای دستیابی به توسعه پایدار محلات غیررسمی است.

فهرست منابع

- اکبری، عضنفر (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری؛ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳: ۱۵۵-۱۳۵.
- الوانی، مهدی و شیروانی، علیرضا (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه ها و کاربردها)؛ تهران: انتشارات مانی، چاپ اول.
- اموری، تاکاشی (۱۳۸۲) اثرات اقتصادی سرمایه اجتماعی؛ اندیشه صادق: ۶۹-۵۶.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۸) سکونت‌گاه های غیررسمی و اسطوره حاشیه نشینی؛ تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، چاپ اول.
- پیران، پرویز (۱۳۸۱) باز هم در باب اسکان غیررسمی مورد شیرآباد زاهدان؛ فصلنامه هفت شهر: ۷-۲۵.
- پیران، پرویز؛ موسوی، میرطاهر و شیانی، ملیحه (۱۳۸۵) کارپایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)؛ فصلنامه رفاه اجتماعی: ۴۴-۹.
- حسنوی، رضا و پزشکان، امیر (۱۳۸۶) تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه؛ مدیریت فردا: ۴۷-۳۵.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۹) روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع؛ تهران: انتشارات اشراقی.
- ربانی، رسول؛ کلانتری، صمد و یآوری، نفیسه (۱۳۸۳) پدیده حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی آن (ارزان و دارک اصفهان)؛ پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان: ۱۵۴-۱۱۹.
- سعیدی رضوانی، نوید و کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۲) امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها-جلد اول: بررسی تحولات نظری و تجارت جهانی؛ تهران: سازمان شهرداریهای کشور.
- سوری، علی (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی؛ تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران: ۸۷-۱۰۸.
- سولیوان، ا. (۱۳۸۶) مباحثی در اقتصاد شهری- جلد اول؛ تهران: انتشارات نور علم.
- شریفیانی ثانی، مریم و ملکی سعید آبادی، امیر (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده؛ فصلنامه رفاه اجتماعی: ۶۵-۴۵.
- شفیعا، سعید (۱۳۸۹) ارتباط ظرفیت اجتماعی ساکنین سکونتگاه های غیررسمی با توسعه پایدار محله ای؛ تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.
- صراف، مظفر (۱۳۸۱) به سوی نظریه ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی؛ فصلنامه هفت شهر: ۳۳-۵.

- عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۰) توسعه پایدار - برداشت و تحلیلی از دیدگاه های جهانی: ۲۷-۱۵. علمی، زهرا؛ شارع پور، محمود و حسینی، سید امیر حسین (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد؛ تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران: ۲۶۹-۲۳۹.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا (۱۳۸۸) کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی؛ تهران: انتشارات شیرازه.
- فیروز زارع؛ علی، شاکری روش؛ مجتبی، ژاله رجبی، میترا (۱۳۹۰) شناخت اقتصاد محله - راهنمای مرجع برای شهرها؛ تهران: انتشارات نص.
- فیلد، جان (۱۳۸۸) سرمایه اجتماعی؛ تهران: انتشارات کویر.
- مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل (۱۳۸۸) شهرها در فرایند جهانی شدن: گزارش جهانی سکونتگاه‌های انسانی ۲۰۰۱؛ تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- منکیو، گریگوری (۱۳۸۷) مبانی علم اقتصاد؛ تهران: نشر نی.
- موسایی، میثم (۱۳۸۸) رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی؛ ماهنامه راهبرد یاس، شماره ۲۰: ۹۶-۱۱۷.
- نوابخش، مهرداد و ارجمند سیاه پوش، اسحق (۱۳۸۸) مبانی توسعه پایدار شهری؛ تهران: جامعه شناسان.
- یوسفی، محمد تقی (۱۳۸۷) استراتژی های رشد و توسعه اقتصادی؛ تهران: نشر نی.
- Asadi, Ali; Akbari, Morteza; Shabanali Fami, Hossain; Iravani, Hoshang; Rostami, Farahnaz & Sadati, Abolhasan (2008) Poverty Alleviation and Sustainable Development: The Role of Social Capital; Journal of Social Sciences 4 (3): 202-215.
- Barker, Adam (2005) Capacity building for sustainability: towards community development in coastal Scotland; Journal of Environmental Management: 11-19.
- Bhuiyan, Shahjahan & Evers, Hans-Dieter (2005) Social Capital and Sustainable Development: Theories and Concepts; Bonn: Department of Political and Cultural Change-University of Bonn.
- Buck, Nick (2005) Social Cohesion in Cities; In Changing Cities: Rethinking Urban Competitiveness, cohesion and governance (pp. 44-61). London: Plagrave Macmillan.
- Coleman, J. (1990) Equality and Achievement in Education (1990); sanfrancisco: Westview Press.
- Coutts, Jeff; Schäuble, Chloe. (2008) Executive Summary: Evaluation of Capacity Building Activities in BDTNRM Projects; Queensland: Australian Government(www.bdtmrm.org.au).
- Dover Community Association (2001) Dover Community Sustainability Project;

- Calgary: Dover Community Association.
- Gordon, Ian (2005) Integrating Cities; In N. Buck, I. Gordon, A. Hardon, & I. Turok, Changing Cities: Rethinking Urban Competitiveness, cohesion and governance (pp. 78-93), London: Palgrave Macmillan.
- Iisakka, Helsinki, Helsingfors (2006) Social Capital in Finland; Statistical Review of Finland, http://www.stat.fi/tup/julkaisut/isbn_950-467-602-2_en.pdf.
- Jozsa, A., & Brown, D. (2005) Neighborhood Sustainability Indicators Report on a Best Practice Workshop; Montreal: McGill University.
- Lafond, Anne & Brown, lisanne (2003) A guide to Monitoring and evaluation of Capacity Building interventions in the Health sector in developing countries; Chapel Hill: University of North Carolina.
- Lyberaki, Antigone ; Paraskevopoulos, Christos ;. (2002). 2002- Social CAPITAL MEASUREMENT IN GREECE -Athens; OECD-ONS International Conference on Social Capital-Measurement, London: OECD publication.
- Mukomo, V. (1996) Urban sustainability reporting; Journal of the American Plannin Association , 117-127.
- Narayan, D., & Pritchett, L. (1999) Social capital: evidence and implications; Washington: World Bank.
- National statistics. (2003) Young people and Social Capital; National statistics publication, <http://www.ons.gov.uk/about-statistics/user-guidance/sc-guide/the-social-capital-project/young-people-and-social-capital---phase-1.pdf>.
- Onyx, J. and P. Bullen (1998) Measuring Social Capital in Five Communities in NSW: An Analysis; Centre for Australian Community Organizations and Management , Working Paper Series No. 41.
- Onyx, J., & Bullen, P. (2000) Sources of social capital; Social Capital and Public Policy in Australia: 105-134.
- Putnam, R. (1993) Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy; Princeton: Princeton University Press.
- Putnam, R. (2000) Bowling Alone: The collapse and revival of American community; New York: Simon and Schuster.
- Putnam, R. (1993) The Prosperous Community: Social capital and public life; The American Prospect: 11-18.
- Stone, Wendy (2001) Measuring social capital Towards a theoretically informed measurement framework for researching social capital in family and community life; Melborn: Australian Institute of Family Studies.
- UNESCAP(2001) What is Good Governance? Retrieved from unescap: <http://www.unescap.org/pdd/prs/ProjectActivities/Ongoing/governance.asp>
- Un-Habitat (2005) Financing urban shelter; London: EARTHSCAN Publication.

-
- Urban Ecology Coalition (1999) Neighborhood Sustainability Indicators Guidebook-How To Create Neighborhood Sustainability Indicators in Your Neighborhood; Minneapolis: Crossroads Resource Center.
- World Bank (1998) The Initiative of Defining, Monitoring and Measuring Social Capital: Overview and program description; Social Capital Initiative Working Paper No. 1, Washington D.C.
- World bank (2004) Measuring Social Capital-An Integrated Questionnaire; Washington D.C: World Bank publication.
- Zhao, Y. (2002) Measuring the social capital of laid-off chinese workers; Current Sociology: 71-555.

Archive of SID